



گزارش توصیفی - تحلیلی در رابطه با مصوبهٔ اخیر مجلس برای «تعطیلات آخر هفته»

پژوهشکده باقرالعلوم ع

اسفند ماه ۱۴۰۲



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشاینده مهربان



گزارش توصیفی-تحلیلی در رابطه با مصوبهٔ اخیر مجلس
برای «تعطیلات آخر هفته»

تحقیق و تدوین: پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم علیه السلام

آدرس: قم، بلوار نیایش، جنب مصلی قدس،

پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم علیه السلام

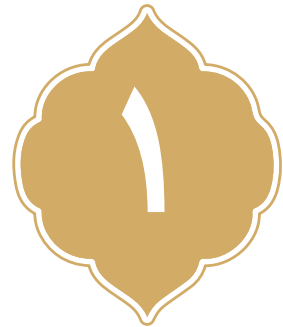
تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۴۳۰۴

WWW.RBO.IR

• همهٔ حقوق محفوظ است.

بخش اول

گزارش توصیفی



• مقدمه

هر چند افزایش تعطیلات هفتگی به دو روز، با استدلال‌های فرهنگی و اجتماعی از قبیل قوام خانواده و فرصت‌های هم‌بودگی خانواده‌ها همراه بود، اما در تعیین روز تعطیلی استدلال‌های ارائه شده صرفاً استدلال‌هایی اقتصادی بوده، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی مغفول ماند.

با رصد و مرور تعداد بالایی از گزارش‌های رسانه‌ای در چهارماهه اخیر (بیش از ۱۰۰ گزارش)، متوجه می‌شویم، اضافه شدن روز شنبه به تعطیلات، توسط جریانی است که به واسطه حضور در ساختارهای رسمی و قدرت رسانه‌ای، بیش‌ترین پوشش رسانه‌ای را یافته و مورد حمایت قرار گرفته است. در مقابل، درباره تعطیلی روز پنج‌شنبه مطالب چندانی طرح نشده است. با توجه به اهمیت بُعد زمان در زیست و سبک زندگی متأسفانه این زاویه بررسی، مورد غفلتی عجیب قرار گرفته است. به صورت کلی محل نزاع و گفت‌وگوها را می‌توان در دو سطح بیان کرد:

- یکم) ضرورت یا عدم ضرورت افزایش تعطیلات هفتگی و کاهش ساعات اداری؛
- دوم) گزینش ایام تعطیلی: «پنج‌شنبه - جمعه» و «جمعه - شنبه».

متن فرارو با بررسی صحنه موجود و ارائه ادله موافقان و مخالفان، تلاش خواهد کرد تا تحلیلی اجمالی از سطح اول ارائه داده، پیرامون سطح دوم گفت‌وگوها را امتداد داده و شرایط گفت‌وگوی بیشتر را مهیا سازد.



یکم) افزایش تعطیلات

• ادله موافقین افزایش تعطیلات (طرح‌شده توسط مجلس و دولت)

- ← نهادهای سازنده فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و کرامت انسانی؛
- ← ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی؛
- ← توجه به استحکام خانواده و ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری؛
- ← توجه به اثربخشی و کارایی در فرایندها و روش‌های اداری به منظور تسریع و تسهیل در ارائه خدمات کشور و خدمات‌رسانی برتر؛
- ← ارتقای بهره‌وری نیروی کار؛
- ← تأثیرگذاری بر حوزه گردشگری، کاهش آلودگی هوا و....

• ادله مخالفان افزایش تعطیلات (توسط بخش های خصوصی (خدماتی، تولیدی،...))

- ← کاهش راندمان کاری به وضعیتی بدتر از آن چه اینک نظام اداری و کاری گرفتار آن است؛
- ← طولانی شدن فرایندهای اداری به علت افزایش تعطیلات و بین‌التعطیلی‌ها که کشور را در یک وضعیت بلا تکلیفی قرار می‌دهد و در نهایت به افزایش نارضایتی‌های مردم از دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی منجر خواهد شد؛
- ← زیان عمده شغل‌های آزاد و غیردولتی. اداری که زیان‌های اقتصادی کلانی را در پی خواهد داشت؛
- ← تحت تأثیر فرارگرفتن کارگران موقت و کاهش امکان‌های کاریابی آن‌ها جهت تأمین حداقل درآمد و پیامدهای منفی گسترده آن برای جامعه؛
- ← بالا رفتن هزینه‌های کارفرمایی و تولید، با افزایش تعطیلات و بلا تکلیفی‌های ناشی از آن.



دوم) گزینش روز تعطیلات

الف) گزینش تعطیلی روز شنبه

• (۱) ادله موافقین شنبه (توسط بخش های تجاری و بازرگانی)

- تقریباً می‌توان گفت که تمام دلایل موافقان تعطیلی شنبه، به یک دلیل بازگشت دارند. این دلیل، اقتصادی و مرتبط با تجارت بین‌المللی ایران با جهان بوده است:
- ← هماهنگ شدن با الگوی جهانی؛
 - ← افزایش زمان برای فرایندهای تجاری و مبادلات با بازارهای جهانی و منطقه‌ای؛
 - ← افزایش زمان برای مراودات بانکی و گمرکی؛
 - ← توسعه اقتصاد گردشگری؛
 - ← بین‌المللی شدن بازارها از جمله بازار سرمایه و بورس؛
 - ← کاهش هزینه‌های مبادله و زیان اقتصادی تعطیلات؛
 - ← مبادله پذیر کردن بیش‌تر خدمات؛
 - ← کاهش انزوای بین‌المللی؛
 - ← افزایش بهره‌وری و فراهم‌سازی زمینه‌های پیشرفت، به واسطه ارتباط مؤثرتر در آینده پیش رو با دنیا؛
 - ← افزایش روزهای کاری مشترک با دنیا (از «سه روز در هفته» به «چهار روز در هفته»)؛
 - ← انتقال یک پیام مهم به دنیا که ایران به دنبال افزایش تعاملات و همکاری با دیگرکشورها برای تقویت روابط اقتصادی خود است.

۲. بررسی ادله موافقین شنبه

- ۱ عموم این استدلال‌ها توسط افراد و مجموعه‌های خصوصی مرتبط با مباحث تجاری و بازرگانی تولید شده، به شکل‌های مختلف در فضای عمومی و نخبگانی منتشر شده‌اند.
- ۲ صرفاً بعد اقتصادی این تصمیم را مورد لحاظ قرار داده است که نقطهٔ کانونی همه استدلال‌ها «افزایش زمان هماهنگ با تعطیلات جهانی برای بالارفتن مبادلات اقتصادی» است؛
- ۳ اینکه بسیاری از ساعات اداری جمهوری اسلامی ایران با ساعات اداری کشورهای جهان متفاوت است و اگر عدم هم‌زمانی ساعات اداری مشکل لاینحل باشد، باید اینک هم گرفتار چنین ضایعه‌ای باشیم؛
- ۴ با توجه به مراودات تجاری برخط و نیز استفاده از ارزشهای دیجیتال که ارتباط چندانی با ساعات یا ایام تعطیلی ندارد، استدلال‌کنندگان گویا به هیچ عنوان راه حل‌های موجود را مورد بررسی و دقت قرار نداده‌اند؛
- ۵ به راه‌های جایگزین که سال‌ها مورد استفاده است، نپرداخته‌اند و استدلال‌هایی که بر اساس آن بتوان با اضافه شدن یک روز تعطیلی، به حجم گسترده‌ای از تغییرات کیفی در حوزه اقتصادی با پیچیدگی‌های زیاد آن رسید، ارائه نداده‌اند؛

ب) گزینش تعطیلی روز پنج‌شنبه

۱. ادله موافقان تعطیلی پنج‌شنبه

- در مقابل این جریان گسترده تولید محتوا، محدود افرادی بوده‌اند که در مخالفت با تعطیلی روز شنبه، استدلال‌هایی آورده‌اند که در ذیل، به آن‌ها اشاره می‌شود:
- ➔ عدم ارتباط طیف گسترده‌ای از دستگاه‌های دولتی، با ارتباطات و تبادلات اقتصادی بین‌المللی؛
 - ➔ چند تقویمی بودن (قمری، شمسی) تقویم کشور و مشکل اضافه شدن تقویم میلادی در مناسبت‌های مختلف مذهبی، ملی و جهانی؛
 - ➔ مناسکی و فرهنگی بودن روز پنج‌شنبه و انجام فرائض دینی و زیارت اهل قبور و... در این روز؛
 - ➔ منع شرعی مشابهت با یهود در فرض تعطیلی روز شنبه؛
 - ➔ داشتن آثار منفی مالی برای دولت؛
 - ➔ داشتن آثار منفی مالی برای واحدهای تولیدی؛
 - ➔ افزایش روزهای بین تعطیلی و ایجاد سردرگمی در مناسبت‌های مختلف در طول سال؛
 - ➔ نیمه تعطیل بودن پنج‌شنبه‌ها در حال حاضر و تداوم اثر آن حتی در صورت تعطیلی شنبه.

۲. بررسی ادله

- ۱ پیشینهٔ ادلهٔ این جریان، در پاسخ به ادلهٔ جریان سابق است. بیش‌تر از آن‌که به ادلهٔ تعطیلی پنج‌شنبه بپردازند، ادلهٔ تعطیلی شنبه را نقض کرده، یا پاسخ داده‌اند؛
- ۲ علاوه بر این، نسبت به برخی ابعاد اجتماعی-سیاسی تعطیلی نیز توجه نموده‌اند؛
- ۳ به صورت اندماجی و ارتکازی نسبت به مفهوم زمان و آثار و تبعات آن، اشاراتی داشته‌اند.

بخش دوم

گزارش تحلیلی



• مقدمه

متأسفانه توجه به مباحث کیفی از قبیل زمان، دوره‌های زمانی، تعطیلات، مناسبت‌ها و... در تصمیم‌سازی‌های ملی، حتی در لایه‌های نخبگانی بسیار کم‌سوست. به نظر می‌رسد ضرورت ایجاد فضایی برای گفت‌وگوهای نخبگانی در تمامی لایه‌های آن، جهت التفات به امتدادهای چنین پدیده‌هایی، مسلم است. به دیگر سخن ضروری است تا در این زمینه، فضای تحلیلی توسط بزرگان حوزوی و دانشگاهی باز شود و امکان گفت‌وگوهای جدی و رسیدن به تصمیمات بهتر فراهم شود. در این متن تلاش شده است در حد وسیع، برخی ابعاد تحلیلی ممکن و اثرگذار اولیه، مورد گفت‌وگو قرار گیرد تا به تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران و مدیران، یاری رساند:



۱) بُعد اقتصادی و تجاری

• ساده‌نمایی مسأله یا بزرگ‌نمایی راه‌حل تعطیلی‌شنبه، راه‌درستی نیست

میزان مراودات اقتصادی ما با یک صد کشوری که در این تعطیلات قرار می‌گیرند در نسبت با مراودات تجاری ما با سایر کشورها (بیش از ۸۰ کشوری که چنین مشکلی با آن‌ها نداریم)، تنها بخش کوچکی از عدم توجه دقیق به مسأله است. وانگهی برخی از مشکلات مذکور در عالم تجارت، ارتباط وثیقی با تعطیلات ندارند و علت‌های دیگری در وقوع این مشکلات وجود دارد که با فرض عدم تعطیلی این ایام نیز رفع نخواهند شد. در واقع علل متعدد و اصلی مشکلات مذکور، به عدم هم‌پوشانی تعطیلات، فروکاسته شده و پیچیدگی‌های دیگر موضوع، و علل آن، مورد غفلت واقع شده است. ایده «کاهش و یا رفع مشکلات، با کاهش یک‌روزه تعطیلات»، یک بزرگ‌نمایی از اثرگذاری چنین اتفاقی در حل مشکل یا معضل مذکور است. مسأله دیگر، عام‌البلوا بودن مشکل تجارت برای عموم مردم یا مناسبات اجتماعی آن‌هاست. چه سهمی از طبقات اجتماعی، درگیر چنین مسأله‌ای هستند و از میان تجار درگیر این مسأله به صورت واقعی، چه درصد از ایشان، با همین ایام کاری موجود یا فضاهای جبرانی دیگر، مشکل آن‌ها حل نمی‌شود؟

• دو مسکوت‌گذاشتن امکان راه‌حل‌های دیگر

در حال حاضر تدبیر امور در سطوح مختلف از وضعیت‌های فردی تا وضعیت جهانی، به سمت فضای مجازی رفته، بسیاری از مشکلات ناشی از فاصله‌های زمانی و مکانی را برطرف کرده است. حتی پیش‌بینی این است که مبتنی بر هوش مصنوعی، بسیاری از مشکلات ناشی از نیاز به حضور مستقیم نیروی انسانی نیز در ارتباطات و مبادلات کاهش

پیدا خواهد کرد. ورود رمزارزها به مبادلات رسمی جهانی نیز جدی بودن مشکل پیش گفته را با سؤال جدی تری مواجه می‌کند. گو این که مبادلات مجازی بینابانکی، معاملات دیجیتال و رمزارزها، خود مانع بروز مشکل مبادلات بوده، یا پاسخی به بزرگی چنین مشکلی هستند.

• سه) بی توجهی به اختلافات زمانی میان کشورها

این مشکل به علت چرخش زمین و تغییر زمان روزانه میان کشورها، یک مشکل عمومی است. به عبارتی نظم شب و روز دو نیم کره و فاصله زمانی میان کشورها را نمی‌توان با تعطیل کردن، درست کرد. وقتی چندین ساعت اختلاف زمانی میان کشورهای غیرهمسایه و دور برای تنظیم زمان‌های اداری برای همه کشورهای متصور است، اضافه یا کم شدن تعطیلات، اثری بر مراودات تعداد زیادی از کشورها نمی‌تواند داشته باشد.



۲) بُعد اجتماعی

• موازنه سطح ابتلاء (سود و زیان تجاری، اجتماعی)

در نظام حکمرانی، نگرش نسبت به پدیده‌هایی که ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند، باید متناسب با پیچیدگی آن‌ها باشد. گاهی به رغم مشکلات در یکی از ابعاد، فواید و پیامدهای مثبت فراوان در یکی دیگر از ابعاد وجود دارد که بدون تسلط بر این سود و زیان‌ها در ابعاد مختلف، تصمیم‌گیری‌ها از حکمت کافی برخوردار نخواهد بود. مضرات اجتماعی و سیاسی عدم تعطیلی روز پنج‌شنبه که بسیاری از مناسک ملی و مذهبی و مناسبات اجتماعی ایرانیان، در آن مستقر شده و نیز به صورت سنتی و تاریخی این روز، نیمه تعطیل بوده است، بر مضرات اقتصادی تعطیلی این روز غلبه نخواهد داشت؟

• موازنه عمق ابتلاء

توجه به تضعیف قدرت و توان فرهنگی و اجتماعی جامعه برای کشوری مانند ما، یک مسأله بسیار حیاتی است، چراکه اساساً جامعه بدون این توان فرهنگی و اجتماعی، امکان حرکت‌های ایجابی که در راستای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت باشد را از دست خواهد داد. به نظر می‌رسد تجربه کاهش توان فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی در تثبیت ساعات رسمی اداری و حذف عملی و البته تدریجی تنظیم ساعات اوقات شرعی، با قانون کاهش ساعات کاری و افزایش تعطیلات و به شکل خاص تعطیلی روز شنبه، در حال تکرار شدن است.



۳) بُعد نظری و فلسفی

• غفلت از مباحث نظری

در شاخه‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی که در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها رایج است، «زمان» یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین

ابعاد حیات اجتماعی جوامع را تشکیل می‌دهد. نوع و تفاوتی که در فهم زمان، در یک جامعه و برای یک جامعه وجود دارد، به عنوان یک عامل محیط بر شناخت‌ها و اراده‌ها، دامنه گسترده و عمیقی از امور و تنظیمات را معنادار، منظم و قابل اجرا می‌کند. این «زمان» است که امکان فهم انسانی از رابطه فرد، جامعه و تاریخ را با خود، دیگر انسان‌ها، محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی، جوامع مختلف، جهان بشری و تاریخ بشری را ممکن و یکی از مهم‌ترین محورهای نظامات و سیر تحولات آن‌هاست. در واقع «زمان» یک بُعد ذاتی هستی زندگی انسانی است و جدا کردن «زمان» از فهم انسان، عمل انسانی در افراد، جوامع و تاریخ، غیرممکن است.

اگر قرار است در رابطه با یک «اقدام زمانی» در یک جامعه، تصمیمی گرفته شود، باید التفات جدی به اهمیت و عمق رابطه‌ای که میان امور مختلف یک جامعه و در مواردی سرنوشت فرهنگی و اجتماعی آن جامعه، در نسبتی که با فهم و معنای زمان پیدا می‌شود، داشت.

• دوره‌های زمانی و نظم بخشی

زمان، امکان و ضرورت‌های رفتاری، اخلاقی و عقلانی در سیر و مسیر حرکت و رشد افراد و جوامع را ممکن و معنادار می‌کند. این «زمان» است که در بازه‌های مختلف، امر مشترک اجتماعی و تاریخی را نشان می‌دهد و امکان اندیشیدن، تدبیرکردن و عمل‌کردن برای حفظ، ساختن، قاعده‌مندکردن و تنظیم‌کردن را میسر می‌کند. بسیاری از تغییرات، یا اساساً اصل و ماهیت زمانی دارند و یا «زمان» یکی از مهم‌ترین متغیرها در شکل‌دهی به آن تغییرات است. فهم انسان از «زمان» در زندگی، مبتنی بر ایجاد و تکرار دوره‌های زمانی است. این دوره‌های زمانی در شکل‌های متفاوت خود، معناهای مختلفی به زندگی می‌دهند یا امکان فهم و زیست معناهای مختلفی را در اختیار جوامع و افراد قرار می‌دهند. برخی از این دوره‌های زمانی و منطق و چارچوب معنادهی به آن‌ها، شامل موارد ذیل هستند:

یک) دوره‌های زمانی ناشی از تغییرات در طبیعت

ظاهراً از گذشته‌های دور تا سده اخیر، جامعه ایرانی چرخه‌های تکراری برای تنظیم فعالیت‌های خود در امور مختلف اجتماعی را عموماً از حرکت ماه و هفته را هم از گام‌های چهارگانه حرکت ماه، می‌گرفته است. تقریباً از یک سده قبل، تقویم هجری شمسی به عنوان یک تقویم رسمی از طریق حکومت، به فهم دوره‌های زمانی جامعه ایرانی افزوده می‌شود و جامعه ایرانی از آن زمان، دارای دو تقویم قمری و شمسی در تنظیم امور مختلف خود می‌شود.

ایران، یکی از چهار کشوری است که تقویم رسمی‌اش غیر از تقویم میلادی است. در برخی کشورها در کنار این تقویم میلادی (رسمی دولتی)، یک تقویم نیمه رسمی و مذهبی نیز وجود دارد که براساس آن، امور دینی و فرهنگی‌شان تنظیم می‌شود. با توجه به این نگرش، نسبت به «زمان» نکات زیر قابل تأمل خواهد بود:

۱ نکته اول: با تغییر منطق فهم دوره‌های زمانی در تقویم‌ها، عملاً و به مرور، منطق و چارچوب معنادهی فرهنگی یک جامعه در ارتباط با زمان، تغییر می‌کند و سپس در نسبت با طیفی گسترده از امور، این نسبت تغییر گسترش و امتداد می‌یابد.

۲ نکته دوم: نظم مدرن سعی کرده، نظم‌ها و معانی زمانی متفاوتی که در نظم بخشی به فرهنگ‌ها و جوامع مختلف وجود داشته است را به نظام معنایی عموماً کمی و مادی خود نزدیک و سپس در خود حل نماید تا بتواند بیش‌ترین بهره را با کم‌ترین

چالش در مبادلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهانی به دست آورد. متأسفانه در این زمینه، نظام جهانی سرمایه توانسته است تقریباً تمام تقویم‌های رسمی کشورهای جهان به جز چند کشور انگشت‌شمار را با خود همراه سازد.

۳ نکته سوم: در زمانه ما، منطق و ملاک‌های زمانی که سازمان‌ها و نهادهای رسمی با آن کار می‌کنند، عملاً و به مرور به منطق عمل فرهنگی و اجتماعی قاطباً جامعه تبدیل می‌شود و بر این اساس، طیف گسترده‌ای از معناهای فرهنگی و اجتماعی، از جامعه حذف می‌شود و طیفی گسترده و دیگری از معناهای فرهنگی و اجتماعی را وارد جامعه می‌کنند. نتیجه این وقایع، تغییرات گسترده فرهنگی و اجتماعی به شکل مبنایی است که خود را در نحوه زیست جامعه، نمایان می‌سازد.

۴ نکته چهارم: جامعه ایرانی درحال حاضر دارای دو تقویم رسمی شمسی و قمری در کنار یکدیگر است و هم‌اکنون هم به علت سیطره نظم‌های سازمانی و مدرن بر زندگی و حیات اجتماعی، جامعه مبتنی بر تقویم شمسی، چالش‌ها و مشکلات زیادی را در رابطه با برنامه‌ریزی‌های ناشی از تقویم قمری و تقویم‌های مذهبی روزانه به وجود آورده است. عملاً آن چیزی که از عمق فاجعه کاسته، قدرت نظام معنایی دینی و رسوخ عمیق آن در فرهنگ دینی جامعه بوده که تاکنون توانسته است به شکل‌های مختلف، حوزه‌های معنایی ناشی از تنظیم‌های زمانی قمری را حفظ کند. به‌رغم این تفوق تاریخی و باطنی، همچنان شاهد تعارض‌هایی از جنس چندپاره‌سازی اجتماعی هستیم. حال اگر قرار باشد در کنار این دو تقویم، بخشی از تقویم میلادی نیز وارد زیست اقتصادی سیاسی اجتماعی ما شود، تعارض‌ها در یک مضربی، چندین برابر خواهد شد. به‌مرور زمان، فشارهای انضمامی ناشی از ورود به نظم معنای زمانی مدرن، در هر دو تقویم زمانی شمسی و قمری بیش‌تر خواهد شد و می‌توان پیش‌بینی کرد که هر دو تقویم شمسی و قمری در این مناسبات، پای پس کشیده بلکه بیش‌تر نیز تقویم قمری عقب رانده خواهد شد. به‌روشنی پیداست که نظم بخشی به حیات فرهنگی هر جامعه‌ای اگر به تقویمی سپرده شود، مناسبات حاکم بر آن جامعه در لایه‌های گوناگون بینش، منش، کشش، هنجار، کنش، فن‌آوری اجتماعی و حتی فن‌آوری مادی و نمادهایش را دگرگون ساخته، یا دچار تحول نسبی خواهد نمود.

۵ نکته پنجم: با تغییر در لایه‌های فرهنگ و زیست اجتماعی سیاسی و اقتصادی، شاهد هزینه‌هایی از قبیل: اضافه‌شدن بی‌نظمی‌های جدید، سردرگمی‌های بیش‌تر، فزونی فشارهای روانی و اجتماعی، افزایش خستگی‌های فرهنگی و اجتماعی، رُخ‌نمودن چالش‌ها و درگیری‌های معنایی، فرهنگی و اجتماعی جدید خواهیم بود. با توجه به تغییرات در سطوح مختلف می‌توان به دیرپا و پایدار بودن تغییرات حاصل از چنین اتفاقی، حکم کرد.

دو دوره‌های زمانی ناشی از تغییرات معنوی

در فهم و زبان دینی، «زمان»ها فرصت‌هایی برای امتحان و تربیت نفس هستند که انسان در آن‌ها و به‌وسیله آن‌ها، می‌تواند سلوک یا حرکت سازنده خود را جلو ببرد. دوره‌های زمانی، با منطق معنایی و نظم بخشی خود، به زندگی و مسیر زندگی در جهت خاصی کمک می‌کنند و با تغییر در منطق فهم آن‌ها، با گذشت زمان بخش زیادی از سلوک معنوی و فرهنگی را با خود می‌برند و با رفتن و حذف این سلوک‌ها، بخش‌های زیادی از معناهای دینی و فرهنگی نیز از تجربه فردی و اجتماعی جامعه حذف می‌شوند و سلوک‌ها و معناهایی که تطابق بیش‌تری با نظم زمانی جدید دارند، جایگزین می‌شوند و تقویمی متفاوت را برای افراد و جامعه به وجود می‌آورند.

۱ نکته اول: باید توجه داشت، شکل‌گیری هویت ایرانی اسلامی جامعه ایرانی که قوام‌بخش حیات اجتماعی آن است، به راحتی به دست نیامده، ماحصل قرن‌ها تلاش و تجربه و هزینه‌دادن بوده است. بخش عمده و مهمی از این سنت تاریخی و ظرفیت‌هایی که در آن فعال شده است، ناشی از فهم زمان و دوره‌های زمانی معنوی و زیست خاصی است که جامعه ایرانی در طول زمان پیدا کرده و با آن تقوا و سلوک خود را شکل داده است. اساس شکل‌گیری یک سنت فرهنگی قویم در جامعه ایرانی، با حضور و سلوک جامعه ایرانی در رویدادهای معنوی و دینی، بوده است. منطق فهم و زیست دینی در زمان و دینی فهم‌کردن زمان و زندگی، به شدت وابسته به منطق و چارچوب زمانی‌ای است که در جامعه در قالب رویدادهای معنوی و دینی و دوره‌های زمانی تحول درونی مستقر شده است. ساده‌سازی تقویم فرهنگی یک ملت به مجموعه‌ای از اعداد، ارقام و نام‌ها در یک سال‌نامه، که می‌توان به راحتی و سریع آن‌ها را تغییر داد و یا جایگزین نمود، بدترین نوع فهم نسبت به تقویم فرهنگی است. تقویم را اساساً از این نظر تقویم گفته‌اند که اندازه، تناسب، تعدیل و ترکیب‌های یک جامعه و ارزیابی آن‌ها را نشان می‌دهد و باعث قوام جامعه می‌شود.

۲ نکته دوم: تاکنون منطق فهم و درک عمومی جامعه ما از تعطیلات، در اغلب موارد فهم و منطقی قدسی (دینی) بوده است. این قدسیت را حتی می‌توان در بسیاری از تعطیلات ملی نیز مشاهده کرد. اضافه‌شدن تعطیلات شنبه، می‌تواند سرآغازی بر ورود منطقی خارج از تجربه زیسته جامعه ایرانی (تقویم میلادی-انسان اقتصادی) باشد و عملاً امکان تضعیف استقلال فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... را در لایه‌های عمیق و پنهان جامعه فراهم کند. گزینش تعطیلی شنبه‌ها به جای پنج‌شنبه‌ها که با منطقی صرفاً اقتصادی در مقابل منطق اجتماعی-دینی صورت می‌گیرد، حتی بر نظام مفهومی تعطیلات جمعه نیز اثرگذار خواهد بود. با این گزینش، منطق جدیدی وارد فهم تعطیلی و معانی آن در جامعه می‌شود که اساساً اقتصادی بوده و مبتنی بر روزهای کاری در منطق نظام سرمایه‌داری جهانی شده، حوزه‌های ملی و مذهبی این تعطیلات را از جامعه خواهد گرفت. به مرور زمان، تعطیلات آخر هفته فقط کاری و در نسبت با تعطیلات تقویم میلادی فهم خواهد شد.

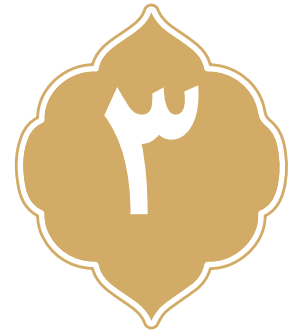
۳ نکته سوم: اگر یک سنت تاریخی در رابطه با زمان و دوره‌های زمانی مذهبی در جامعه ایران (عاشورا و تاسوعا، روزهای جمعه، چهلم‌ها و...) وجود نمی‌داشت که مبتنی بر آن‌ها جامعه حرکت‌های متوالی خود را معنادار و فعال کند، وقوع انقلاب اسلامی ایران در این گستره و عمق ممکن نبود. ارتباط زمان با عالم قدس مبتنی بر این دوره‌های زمانی، قدسیت خاصی را به ایام و روزهای انقلاب و انقلابیون می‌داد. همین منطق فهم و زیست زمانی در جامعه ایرانی، به نوعی پشتیبان تداوم این انقلاب تاکنون نیز بوده است. مداخله در منطق درونی نظم‌های زمانی و معانی همراه آن‌ها در یک جامعه تاریخی، باعث تخریب یا تضعیف توان بالای سنت تاریخی در پیشبرد امور خواهد شد و عملاً امکان‌های رشد پایدار و بلندمدت و حل ریشه‌ای مسائل را از جامعه خواهد گرفت.

۴ نکته چهارم: مشهور است که مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود. با تشکیل دولت مدرن در ایران، زمان کار در جامعه ما نیز دچار گسستگی در فهم و زیست مردم شد که تا پیش از شکل‌گیری دولت مدرن، زمان‌های فرهنگی و معنوی، کاری، طبیعی و بیولوژیکی جامعه، در ذیل نظم فرهنگ دینی فهم می‌شدند. با آمدن دولت مدرن، میان نظم دینی، طبیعی و بیولوژیکی، با نظم کاری فاصله افتاد و افراد جامعه براساس دو نظم، زمان‌های روزانه خود را تنظیم می‌کردند. در ابتدای تغییر دوره‌های زمانی کاری، ساعت‌هایی در ایران مرسوم شد که در عمل دوگونه زمان با آن‌ها تنظیم می‌شد: (۱) ساعت رسمی؛ (۲) ساعت فرهنگی، طبیعی و بیولوژیکی که براساس فاصله با ظهر شرعی فهم می‌شد. بخش زیادی از جامعه هنوز زمان را به شکل فرهنگی خود تنظیم می‌کردند و چون مجبور بودند با زمان رسمی اداری دولت نیز خود را هماهنگ کنند، از دو زمان

برای نظم بخشی به زمان کاری استفاده می‌کردند. به مرور زمان و گذشت یک سده، فهم زمان فرهنگی از تنظیم زمان کاری و روزمرهٔ جامعهٔ ایرانی بسیار کم‌رنگ شد و زمان رسمی مدرن، جای آن را گرفت. با کم‌رنگ شدن جدی این فهم فرهنگی از زمان، بسیاری از شیوه‌های زیست و سبک‌های زندگی، مراسم و مناسک، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها، از زندگی افراد و جامعه بیرون رفتند و تنظیمات زندگی مبتنی بر آن‌ها هم از بین رفتند و جایگزین‌های تازه‌ای در زیست و سبک زندگی پیدا کردند. شاید کسانی که ابتدا این تغییر در فهم و زیست زمان کار را دنبال می‌کردند، فقط از لوازم و ضرورت این فهم از زمان کار، برای شکل‌گیری دولت مدرن سخن می‌گفتند و توجهی به این حجم از اثرات ناخواسته فرهنگی و طبیعی و بیولوژیکی آن نداشتند، ولی به وضوح پس از گذشت حدود یک سده، می‌توان حجم گسترده‌ای از عوارض این تصمیم را نشان داد. در گذشته، زمان به صورت روزانه، فرهنگی، دینی، طبیعی و بیولوژیک فهم می‌شده؛ اوقات خواب و بیداری، نمازهای واجب، اوقات کار، اوقات زندگی زناشویی، اوقات مستحبات، اوقات استراحت، اوقات نظافت، اوقات بهداشت و استحمام، اوقات پخت و پز، اوقات خورد و خوراک و... در چرخه‌ها یا دوره‌هایی، نظم و سبک‌های خاصی از زیست را به وجود می‌آوردند و در یک هماهنگی، به زندگی ما روح و معنا می‌بخشیدند، ولی با یک تغییر در فهم و زیست زمان کاری، مابقی اوقات روزانه نظم پیشین خود را از دست داده، میان انواع فهم زمانی در زندگی ناهماهنگی به وجود آورده‌اند. اتفاق فراروی شباهت به این اتفاقات نیست. اگر در همین ابتدا تصمیم مناسبی گرفته نشود، در آینده باید شاهد حذف طیف وسیعی از سنت‌های فرهنگی و ملی و جایگزینی آن با سنت‌های غربی باشیم که عملاً جامعه را در حوزه زمانی دچار به هم ریختگی بیش‌تر خواهد کرد و هزینه‌های زندگی و درک زندگی در این جامعه را بالا برده، فرسایش روحی و روانی و بالتبع عملی جامعه را رقم خواهیم زد.

بخش سوم

جمع بندی



تصمیم‌گیری در رابطه با تعطیلات یک موضوع بسیار مهم و پیچیده است. علاوه بر کشف میزان اثرگذاری تعطیلات بر مراودات اقتصادی که نقطه کانونی استدلال مدافعان تعطیلی روز شنبه است، فهم تعطیلات به فهم زمان، فهم دوره‌های زمانی و اثرات و نتایجی که این‌ها بر ابعاد مختلف زندگی آحاد جامعه دارند، مرتبط است. بی‌راه نیست اگر بگوییم فهم تعطیلات، فهم یک امر تاریخی، تمدنی، دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، جغرافیایی، ... و تنظیمات آن‌هاست.

به‌طورکلی بهتر است در هر کشور، تعیین تعداد و سامان‌دهی تعطیلات، بر اساس منطق فرهنگی و اولویت‌های نظام سیاسی آن کشور بوده، با یک آگاهی چندجانبه به این حوزه تصمیم‌گیری ورود پیدا کرد. اولویت یافتن منافع اقتصادی ناشی از مبادلات تجاری که در جای خود مهم هستند، نباید به‌گونه‌ای تدبیر شود که عوارض بسیار گسترده‌ای را در کل زیست آحاد جامعه به همراه بیاورد. بهبود یافتن وضعیت اقتصادی به علت مشکلات تاریخی و ساختاری گذشته و حال آن، موضوعی پیچیده است. باید در این زمینه نیز متناسب با پشتوانه‌ها و سنت‌های فرهنگی و تاریخی، به دنبال راه‌حل‌های پایدار و مناسب گشت و از بخشی دیدن یا ساده‌سازی حل طیف گسترده‌ای از مشکلات اقتصادی با یک تغییر ناهم‌انگ با یک فرهنگ و تاریخ، احتراز کرد.

به‌عنوان مثال اکنون نیز زمره‌هایی از مشکلات ممکن است که در آینده نزدیک مبتنی بر همین تعطیلات دامن‌گیر اقتصاد ایران خواهد شد، در گوشه و کنار شنیده و طرح می‌شود که علاوه بر اثرات فرهنگی و اجتماعی، اثرات اقتصادی مثبتی را برای بخش اقتصادی داخلی نوید نمی‌دهد و برآورد می‌کنند که میزان بلا تکلیفی در حوزه اقتصادی افزایش، طیف‌های زیادی از اقشار پایین دست در حوزه کار دچار خسارت و میزان مفید بودن زمان‌های کاری، کاهش پیدا کند.

باتوجه به تمام این مقدمات، اگر قرار است تغییر در فهم زمان تعطیلی هفتگی اتفاق بیفتد، لازم است که این تغییر، بیش‌ترین هماهنگی را با فهم زمان فرهنگی داشته باشد و هر قدر از آن دور شود، جامعه از زیست فرهنگی خود دور و دچار به‌هم‌ریختگی در نظام معنایی خواهد شد. از این رو، پیشنهاد می‌شود اگر قرار است به تعطیلی هفتگی اضافه شود، این اضافه شدن روز پنج‌شنبه باشد. تغییر فهم دوره زمانی هفتگی از نظم فرهنگی به نظم کاری، مبتنی بر زمان دنیایی و اقتصادی نظام جهانی سرمایه‌داری (با تعطیلی شنبه‌ها)، ما را هر چه بیش‌تر در زیست روزمره داخلی مان، در این نظم جهانی مستهلک خواهد کرد و امکان شکل‌دهی به یک نظم تمدنی جدید را از ما خواهد گرفت. البته لازم است برای مشکل مراودات جهانی و کاهش اثرات منفی آن بر اقتصاد ایران، به دنبال تدابیر دیگری بود که تا حد امکان خسارت‌های ناشی از این مشکل را کاهش دهد. به نظر می‌رسد علاوه بر تجربیات زیاد کشور در طی ۷۰ تا ۸۰ سال مرادده اقتصادی با جهان و با توجه به تغییراتی که در دوران اخیر در فضای مجازی به وجود آمده، به صفر رساندن آثار منفی افزوده شدن تعطیلات، تا حدود زیادی ممکن و قابل دسترسی است.

و من الله التوفیق و علیه التکلان